چاپ بیست و دوم

ویژهٔ معلمین و دانش آموزان

محتوای این کتاب برای تدریس در شاخهٔ کار دانش گروه هنر به تأیید دفتر آموزش های حرفه ای کار دانش وزارت آموزش و پرورش رسیده است.

شیوهٔ نُو در آموزش خط نستعلیق

مؤلف
محمدحسن اباشتی



بسم الله الرحمن الرحیم

اثباتی، محمد حسن اثباتی، ۱۳۴۰
شیوه نو در آموزش خط نستعلیق / مؤلف: محمد حسن اثباتی؛ منتخباتی از آثار غلامحسین امیرخانی ـ تهران: اسلیمی ۱۳۷۹.
۸۸ ص.: نمونه
شابک: ۰ ـ ۲ ـ ۹۳۶۹۱ ـ ۹۶۴ ISBN:964-93691-2-0
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا (فهرستنویسی پیش از انتشار)
۱ ـ خط نستعلیق ـ راهنمای آموزشی. ۲ ـ خوشنویسی ـ راهنمای آموزشی.
الف. امیرخانی، غلامحسین، ۱۳۱۸ ـ خطاط.
۲ الف ۳ NK ۳۶۳۳/T
فا ۷۴۵/۶۱۹
م ۷۷ ـ ۱۳۴۸۸

محتوای این کتاب برای تدریس در
شاخه کار دانش
گروه هنر به تأیید دفتر آموزشهای مهارتی و کاردانش
وزارت آموزش و پرورش
رسیده است.

نام کتاب: شیوه نو در آموزش خط نستعلیق
تألیف و تحریر: محمد حسن اثباتی
خط: منتخباتی از آثار غلام حسین امیرخانی
چاپ اول: ۱۳۷۲
نوبت چاپ : بیست و دوم/ ۸۸
ناشر : گریفین
چاپ : مائده
صحافی : معین
تعداد: ۵۰۰۰ جلد
قیمت : ۱۷۰۰ تومان
شابک: ۰ ـ ۲ ـ ۹۳۶۹۱ ـ ۹۶۴
ISBN:964-93691-2-0
مرکز پخش : ۰۹۱۲۱۹۵۹۶۳۴



شیوهٔ نو در

آموزش خط شکسته نستعلیق

مقدمه:

امروزه هنرجویان علاقمند به هنر خوشنویسی، خصوصاً آنهائی که در کلاسهای حضوری شرکت ندارند، دچار مشکل بزرگی در انتخاب بهترین نمونه هستند. بدین معنی که وجود کتب مختلف آموزش خط نستعلیق که هرکدام در نحوهٔ تعلیم و سبک با یکدیگر تفاوت دارند و از طرفی شناخت مختصر هنرجویان مبتدی، تصمیم در انتخاب بهترین نمونه را دشوار ساخته است. جدا از اینکه بسیاری از این کتب تکرار نحوهٔ تعلیم فرد دیگری می‌باشد، روش دقیقی را برای یادگیری ارائه نداده‌اند. امّا روش بکار گرفته در این کتاب بگونه‌ای است که هنرجو می‌تواند اشکال مختلف حروف را در تمام قسمت‌های کلمه مشاهده نماید. بنابراین جدا از مواردی خاص که مبتدیان به آن نیاز نخواهند داشت، می‌توان اظهار نمود که نکته‌ای از قلم نیفتاده است. از طرف دیگر با توجه به مطالب مختصری که در قسمت بعدی آمده است، اطمینان داریم که ضمن توضیح دقیق چگونگی نوشتن حروف، کلمات و .... بهترین نمونه خطوط را ارائه داده‌ایم.

والسلام

هنرجوی گرامی

با توجه به اینکه مطلوب است در فراگیری هر فنی و هنری، به بهترین نمونه‌ها دست یابیم و تجربیات بهترین اساتید را در یادگیری بکار گیریم، لذا این مرکز با توجه به اینکه برای چندمین بار سرمشق‌های خط نستعلیق را جهت آسانی در یادگیری و کیفیت بالاتر تعویض نموده است، برای بار دیگر خطوط مختلف استاد بزرگوار **غلام‌حسین امیرخانی** را مصداق نظرات تعلیمی خود قرار داده است تا جائی برای شک و شبهه در کیفیت خطوط نباشد. بنابراین آنچه که یاد خواهید گرفت حاصل رنج و مشقت سالیان دراز این استاد بزرگوار است. پس بایستی خود را مدیون ایشان بدانیم و سعی در جبران زحمات این عالی مقام.

ما خود را مسؤول می‌دانیم که بهترین‌ها را
معرفی کنیم

اصول، قواعد و ابزار خوشنویسی

قبل از اینکه توضیحات مختصری پیرامون اصول و قواعد خوشنویسی ذکر شود چند کلمه‌ای در مورد ابزار خوشنویسی گفته تا مبتدیان این هنر والا، یادگیری را با شناختی بیشتر آغاز نمایند.

ابزار خوشنویسی

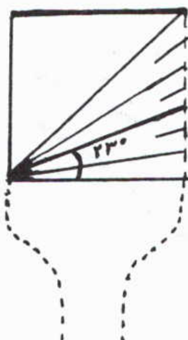
چون دیگر هنرها، هنر خوشنویسی ابزار خاصی را می‌طلبد. تا آن هنگام که این ابزار مناسب کار نیایند، امیدی به پیشیرفت نیست. اهمیت داشتن وسائل خوب، کمتر از داشتن یک استاد زبردست و یا کوشش‌های بی وقفهٔ هنرجویان نیست. البته امروزه هنرجویان کمتر به این نکات توجه دارند، که شاید به جهت دشواری تهیه وسائل خوب باشد. اما در گذشته داشتن ابزار خوب آنقدر مورد نظر بوده است که تقریباً تمامی اساتید بزرگ پیرامون آن نوشته و صحبت‌های مفصل داشته‌اند.

بهرحال وسائلی چون **قلم، قلمدان، قلمتراش، قط زن، دوات، هم زن، شیشه‌ای از آب مقطر، سنگ رومی، پارچه حریر مِسطَر، زیردستی، و کاغذ** مجموعهٔ ابزار خوشنویسان گذشته بوده است، که امروزه داشتن تمامی آن ضرورتی ندارد. از اینرو به توضیح مختصری پیرامون این وسائل می‌پردازیم.

۱ـ **قلم**: یکی از مهمترین ابزار خوشنویسی قلم است که باید دارای ویژگی‌های متعددی باشد تا بتوان از آن بهره برد. امروزه چندین نوع قلم که هرکدام مربوط به منطقه‌ای خاص می‌باشند در بازار وجود دارد.

بهترین آنها قلمی است که به قلم دزفولی شهرت دارد. این نوع قلم‌ها باید به حدکافی پخته باشند. نمونه خام و یا سوخته کاربرد مناسبی ندارد. سرخ و قهوه‌ای رنگ، صاف و بلند، بدون گره و پیچ، بدون تاب خوردگی و پوسته محکمی داشته باشند. با توجه به اینکه هرکدام قطر متفاوتی نسبت به دیگری دارد، لذا نوع تراش هر یک، باید متناسب با قطر آن باشد. در صورتیکه یک طرف قلم قهوه‌ای و طرف دیگر سفید باشد، بایستی تراش قلم از محل سفید آغاز شود که پوسته نوک قلم قهوه‌ای باقی بماند. می‌توان گفت که شیوه تراشیدن قلم برای تمامی قلمها یکی است. و مواردی چون عرض نوک قلم، ضخامت آن، میدان قلم، زبان قلم و غیره تماماً بایستی متناسب با قطر قلم باشند. تنها تفاوت عمده در تراشیدن قلم زاویه آن است، که دقیقاً بر حسب شیوه نستعلیق، شکسته، ثلث و .... فرق می‌کند.

شاید این تفاوت به شدت مشخصات تصویر زیر نباشد. امّا مسلّم است که رعایت این تفاوت اهمیت زیادی دارد.

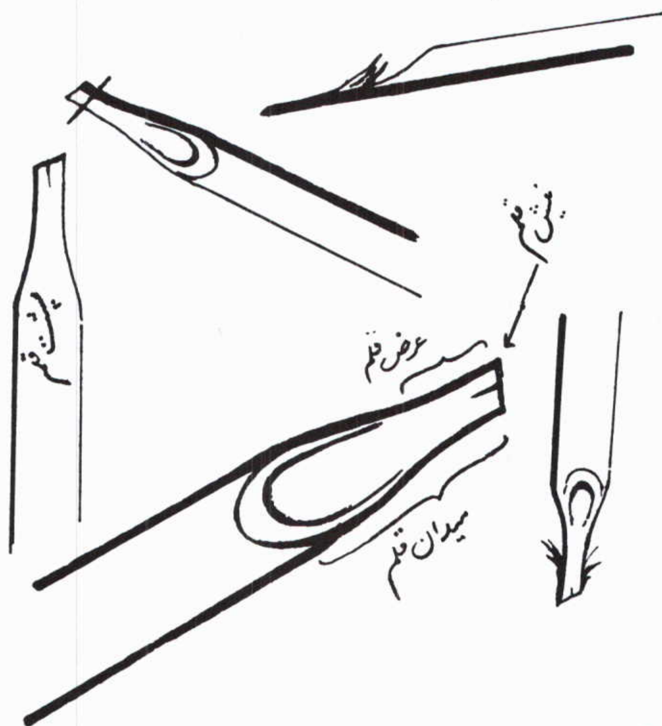


در تراشیدن قلم که با وسیله قلمتراش مخصوص (تصویر آن را خواهید دید) انجام می‌شود، چهار مرحله متفاوت صورت خواهد گرفت:

الف: تراشیدن روی قلم. معمولاً زاویه تیغه قلمتراش با قلم هنگام شروع تراش، ۴۵ درجه است، که بتدریج کم شده و در نهایت که به نوک قلم می‌رسد زاویه آن حداکثر ۵ درجه خواهد بود.

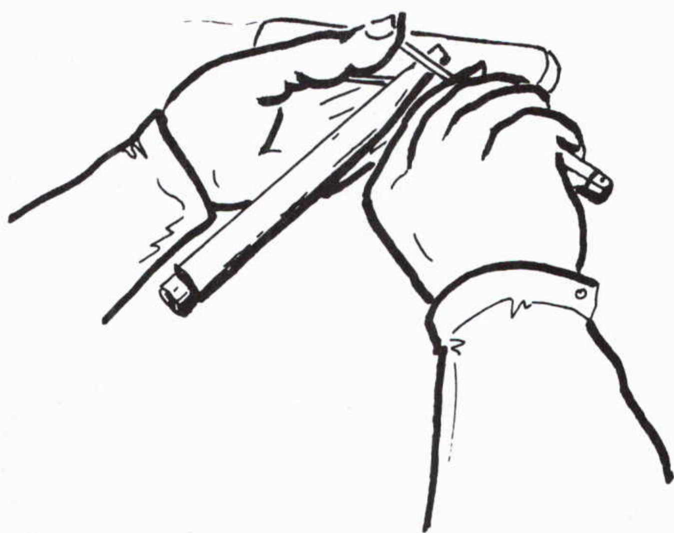
ب: تراشیدن کناره یا پهلوهای قلم تا مرحله نوک قلم. بایستی تراش طرفین قلم دقیقاً با هم برابر باشند. و برای پی بردن به اشتباه می‌توان از پشت قلم این عمل راکنترل نمود. نکته مهم این است که عرض نوک قلم بیشتر از قسمت عقب‌تر خود نباشد.

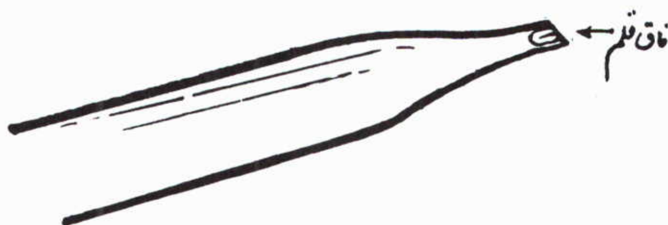
ج: مرحله سوم برداشتن (تراشیدن) پشت قلم است، چراکه مرکب، پشت آن جمع نشود و به راحتی به طرف نوک قلم حرکت کند. **برداشتن پشت قلم باحفظ لایه‌ای از لاک قلم در دو طرف نوک آن.**



د: مرحله چهارم قط زدن یا زاویه‌دار کردن نوک قلم است. شاید بتوان گفت که اندازه زاویه قلم یک مسئله شخصی است و باید متناسب با دست هنرجو و عادات خاص او باشد. اما حد اعتدال این است که تکیه‌گاه دست روی کاغذ باشد (مثل خودکار گرفتن) و سپس هنگامیکه قلم را برروی کاغذ می‌گذاریم تمامی عرض قلم برروی کاغذ قرار گیرد، به شرطی که اثر قلم بر کاغذ با خط عمود زاویه ۶۰ درجه ایجاد کند. لذا می‌توان گفت که حداکثر زاویه مورد نیاز برای قلم ۲۳ درجه است. بهرحال این مسئله را باید دقیقاً تجربه کرد و به آن رسید.

گاهی پس از قط زدن یک فاق (شکاف کوچک) از پشت قلم در وسط نوک قلم ایجاد می‌کنند (مانند فاق خودنویس). اما این عمل در تمامی قلم‌ها انجام نمی‌شود. علت انجام این عمل روانی حرکت مرکب و اعتدال در ریختن آن برروی کاغذ است.





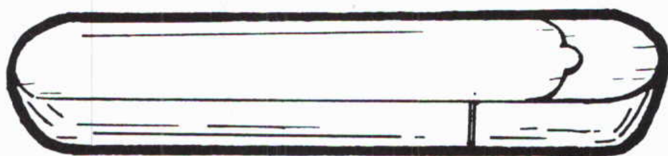
تقسیم بندی سنتّی اندازه قلم‌ها بدین ترتیب است:

۱ـ غبار. ۲ـ خفی. ۳ـ کتابت. ۴ـ سرفصلی. ۵ـ مشقی یاقطعه. ۶ـ جلی صفحه. ۷ـ کتیبه

اگر بخواهیم اندازه عرض این قلم‌ها را ذکر کنیم، استاد غلام حسین امیرخانی فرمایند:

۱ـ از کوچکترین اندازه تا نیم میلی‌متر (غبار). ۲ـ از نیم میلی‌متر تا $\frac{۳}{۴}$ میلی‌متر (خفی). ۳ـ از $\frac{۳}{۴}$ میلی‌متر تا ۱/۵ میلی‌متر (کتابت). ۴ـ از ۱/۵ میلی‌متر تا ۲ میلی‌متر (سرفصلی). ۵ـ از ۲ میلی‌متر تا ۶ میلی متر (مشقی). ۶ـ از ۶ میلی‌متر تا ۲ سانتی‌متر (جلی صفحه) و از ۲ سانتی‌متر بیشتر را (کتیبه) گویند.

۲ـ قلمدان: ذکر این نکته که در گذشته از چه قلمدانی استفاده می‌شده است ضرورتی ندارد. مهم این است که یک خوشنویس نیاز به قلم‌های متعددی دارد، و نیاز به ابزار دیگری که داشتن آنها در وقت خوشنویسی ضرورت خواهد داشت. لذا داشتن یک قلمدان از هر نوعی که باشد الزامی است. شاید یک قلمدان چوبی بتواند قلم‌ها را بهتر از یک قلمدان چرمی حفظ نماید.

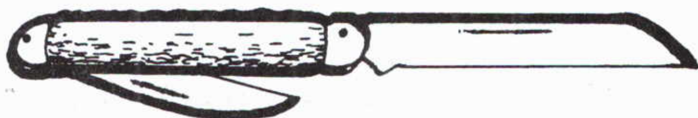


۳ـ قلمتراش: با توجه به شکل قلمتراش می‌توان گفت که دو فرق اساسی بین چاقوی قلم تراش با دیگر بُرنده‌ها است

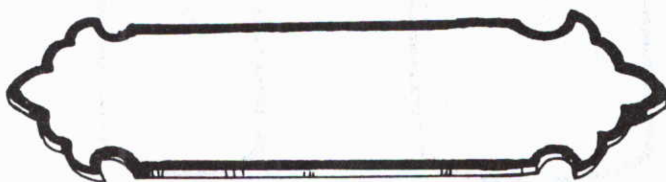
الف: شکل منحنی نوک، که بر عکس دیگر چاقوها است.

ب: جنس تیغه که بسیار حساس است

تمیز بودن تیغه‌های یکی قلمتراش اهمیت بسزائی دارد. تیغه‌ها نباید با رطوبت تماس حاصل نمایند، و توصیه می‌گردد که از آن برای تراشیدن چوب و یا مواد دیگر استفاده نشود.



۴ـ قط زدن: پس از تراشیدن یک قلم، بایستی نوک آن را با قلمتراش زاویه‌دار کرد. برای این عمل از یک قطعه چوب استفاده می‌شود. قلم را برروی آن گذاشته و با قلمتراش نوک آن را قطع می‌کنند. این قطعه چوب بایستی از درختی خاص چون چوب شمشاد باشد. تجربه شده است که چوب درخت شمشاد، استخوان تراشیده شدهٔ حیوانات، شاخ گوزن و .... مناسب است. قط زن باید نه آنقدر سُست و ضعیف باشد که هنگام قطع نوک قلم، در اثر قلمتراش آسیب ببیند و نه آنقدر محکم باشد که به لبهٔ قلمتراش زیان وارد شود.

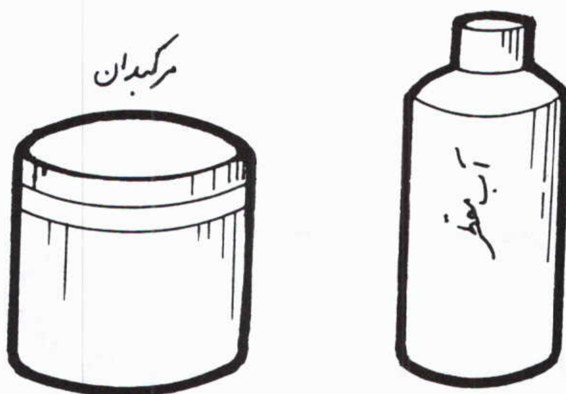


۵ـ دوات: دوات شامل لیقه و مرکب است.

وجود لیقه (مقداری الیاف ابریشم) در مرکبدان ضروری است. چرا که خطر ریختن مرکب را رفع ساخته و مهمتر اینکه تنظیم کننده مقدار مرکب، برروی قلم است. امروزه غیر از ابریشم از مواد دیگری هم استفاده می‌کنند. امّا مرکب خوب باید دارای ویژگی‌هائی باشد که عبارتند از: پررنگ بودن، غلظت مناسب، غیره چسبنده بودن، قدرت کشش در حروف بلند (مدات). باید دانست که برای هر کاغذی و قلمی مرکب مناسب آن لازم است.

۶ـ هم زن: در گذشته رسم بر این بود که قبل از استفادهٔ از مرکب ساخته شده، آن را کاملاً هم زده تا دوباره حل شود، و سپس بکار می‌بردند. برای این عمل از یک چوب بلند، از جنس آبنوس، استفاده می‌شده است.

۷ـ شیشه یا ظرف آب مقطر: با توجه به اینکه حلال مرکب آب است، لذا حتی اگر درب مرکبدان بسته باشد آب موجود در آن تدریجاً تبخیر می‌شود. لذا داشتن مقداری آب مقطر که بدون املاح است، برای تنظیم غلظت مرکب ضروری می‌باشد. بهتر است پس از جوشاندن کامل آب، چند دقیقه‌ای انتظار بکشیم تا املاح آن کاملاً ته نشین شده و سپس مورد استفاده قرار دهیم.



۸ـ سنگ رومی: با توجه به اینکه تیغه قلمتراش‌ها حساس می‌باشد لذا، پس از کُند شدن و از دست رفتن خاصیت برندگی، بایستی آنها را مجدداً تیز کرد. از اینرو استفاده از کلیه وسائل تیزکننده برای قلمتراش‌ها زیان‌آور است، الاّ با استفاده از سنگ‌هائی چون سنگ رومی. و از طرفی با عنایت به اینکه داشتن سنگ رومی برای همگان میسر نیست، بهتر است که تیز کردن قلمتراش‌ها را به عهده سازندگان آن بگذاریم.

۹ـ پارچه: این امکان وجود دارد که به دلایل متفاوتی بخواهیم نوک قلم را تمیز کنیم. لذا وجود یک قطعه پارچه سفید که درگذشته معمولاً پارچه حریر بوده است ضروری می‌باشد. و از طرفی توصیه می‌شودکه همیشه پس از پایان خوشنویسی حتماً نوک قلم را تمیز کرده تا مرکب اضافی بر روی قلم خشک نشود.

۱۰ـ مِسطَر: در قدیم خوشنویسان وسیله‌ای را می‌ساختند که از آن برای اندازه‌گذاری سطرها استفاده می‌شده است. این وسیله مِسطَر نام دارد. امّا امروزه داشتن خطکش و گونیا نیاز را بر طرف می‌سازد.

۱۱ـ زیردستی: یکی از ابزار و آلات مهم خوشنویسی، داشتن زیردستی خوب است. میزان سختی و نرمی آن مورد اهمیت است. تجربه شده است که چرم ماده مناسبی برای زیردستی می‌باشد.

۱۲ـ کاغذ: اگر قلم و مرکب خوب باشد داشتن کاغذ خوب ضروری است. این سه عنصر عوامل بسیار مهمی در میان ۱۲ مورد بالا بوده و هستند. بایستی برای هر خطی کاغذ مناسبی داشت. اگر بتوانیم با قلم جلی براحتی برروی کاغذ گلاسه (شفاف و نرم) بنویسیم، مسلماً نمی‌توان انتظار داشت که با قلم غبار هم بتوان برروی آن کاغذ نوشت. لذا کاغذ نقش تعیین کننده دارد. بدیهی است که نوشتن برروی کاغذهای زبر و خشن بسرعت سبب تخریب نوک قلم می‌شود.

قواعد و اصول خوشنویسی

خوشنویسان مشهور این مرز و بوم، چون ابن مقله، ابن‌بواب، یاقوت مستعصمی و دیگران هرکدام نظراتی پیرامون اصول و قواعد هنرخوشنویسی داشته‌اند که به حمد .... نسل به نسل به ما رسیده است. قوانینی که امروزه هم پس از گذشت چندین قرن تغییر اساسی پیدا نکرده است.

بنابرین می‌توانیم به طور خلاصه با معنی کردن اصطلاحاتی خاص، به ذکر اصول خوشنویسی بپردازیم

۱ـ **قوت**: هنگامیکه از تمام عرض قلم استفاده شود، مثل حرف (ب).

۲ـ **ضعف**: هرگاه که از عرض واقعی قلم در نوشتن حروف و کلمات استفاده نشود و یا اینکه قلم زاویه‌دار حرکت نماید، مثل (دندانه‌ها).

۳ـ **سطح**: کلیه حرکات راست (افقی، عمودی و مایل) را گویند که دارای دور و چرخش نباشد، مثل حرف (ب و یا ف) .

۴ـ **دور**: کلیه حرکات منحنی شکل را گویند مثل حرف (نون).

۵ـ **صعود حقیقی**: کلیه حرکاتی که به سمت بالا روند مثل حرف (الف)، هنگامیکه در انتهای کلمه قرار می‌گیرد.

۶ـ **صعود مجازی**: کلیه حرکاتی که با چرخش و دور به سمت بالا می‌روند مثل قسمت چپ حرف (نون).

۷ـ **نزول حقیقی**: کلیه حرکاتی که به سمت پائین باشند مثل حرف (میم و یا لام).

۸ـ **نزول مجازی**: کلیه حرکاتی که با چرخش و دور به سمت پائین باشند همانند قسمت راست حرف (ح) و مشابهات آن.

۹ـ **سواد و بیاض**: میزان اعتدال در سفیدی و سیاهی حروفی چون (صاد، طا و ...).

۱۰ـ **نسبت**: رعایت دقیق اندازه‌های حرف و یاکلمه، بطوریکه در صورت کوچک و یا بزرگ کردن آن، لطمه‌ای به اندازه و تناسب وارد نشود. مبنای اندازه‌گذاری دقیق برای هر حرف و یا کلمه نقطه‌است. شکل این نقطه مربع کامل بوده که حاصل عرض قلمی است که با آن کتابت می‌نمائیم. بعنوان مثال با هر قلمی که حرف الف را بنویسیم، اندازه آن باید حداکثر ۳ نقطه باشد.

۱۱ـ **ترکیب**: ترکیب عبارتست از آمیزش معتدل و موافق حرف، کلمه، جمله، سطر و نهایتاً تناسب دقیق سطرها با یکدیگر. بنابراین ترکیب جزئی و کلی با هم ارتباط

مستقیم دارند.

در ترکیب، عناصر مهمی دخالت دارند که در زیر آورده شده است:

الف : ترکیب صحیح حرف، کلمه، سطر

ب : رعایت فواصل و سواد و بیاض بین اجزاء یک قطعه خط.

ج : رعایت اندازه قلم با زمینه کاغذ و تناسب آنها با یکدیگر

د : دقت در ترکیب عبارات هنگامیکه دارای دو خط کرسی باشیم.

و : رعایت تعداد مدّات (کشیده‌ها) در سطر، و صفحه و انتخاب دقیق کلمات برای کشیده‌ها.

۱۲ ـ خط کرسی: با توجه به اینکه هر حرفی دارای محل مشخصی نسبت به خط کرسی می‌باشد، لذا جزء اصول مهم خوشنویسی است که در جاگذاری و چیدن حروف و کلمات برروی خط کرسی دقت زیادی داشته باشیم.

بنابراین یک خوشنویس ملزم به این است که جهت زیباتر نوشتن موارد فوق را به تجربه بدست آورد. به مثالهای موارد ۱ تا ۱۱ در زیر توجه کنید.

۱- ب   ۲- سا   ۳- ب

۴- ن   ۵- ما   ۶- ن   ۷- م

۸- ح   ۹- طا   ۱۰- ا ا ا ا

۱۱ و ۱۲

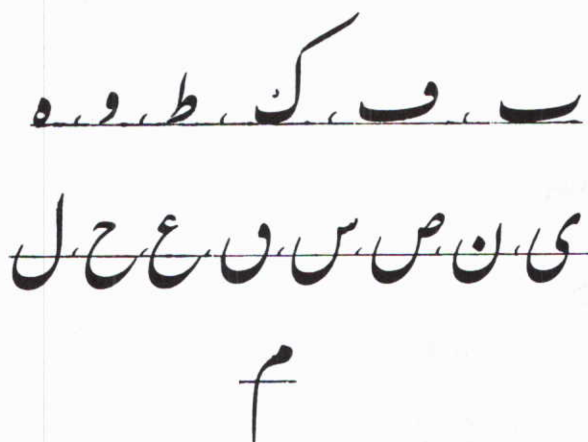
با این هدف میتوان از درهم نوشتن حروف بهترین و جذاب ترین فرم را بوجود آورد

«پیش درس»

قبل از شروع درس اول و تمرین موارد مورد نظر، لازم است یادآور شویم که رعایت دو نکته مهم می‌تواند بسرعت ظاهر خط شما را تغییر دهد. این دو نکته عبارتند از، **الف**: رعایت قوانین مربوط به خط کرسی. **ب** : نحوهٔ قلم‌گذاری صحیح بر کاغذ و یادگیری استفاده از نوک $\frac{۱}{۳}$، $\frac{۲}{۳}$ و تمام عرض قلم.

خط کرسی: همانطور که اشاره شد در سطر نویسی‌های ساده، هر حرفی نسبت به خط کرسی دارای محل خاصی است. بنابراین می‌توان گفت که بعضی از حروف روی خط کرسی قرار می‌گیرند و تمامی حروف قوسی و یا دایره‌ای شکل تقریباً در وسط خط کرسی نوشته می‌شوند. یک حرف استثناء وجود دارد و آنهم حرف میم است که جزء دوایر محسوب نمی‌شود، امّا نیمی از آن بالا و نیم دیگر پائین خط کرسی قرار دارد.

توجه کنید:

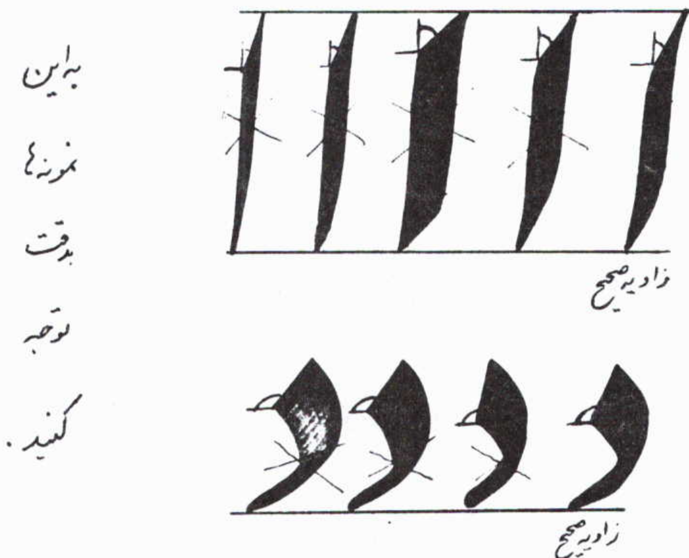


لذا مادامی که خط را بصورت ترکیب پیچیده ننوشته‌ایم، بایستی محل دقیق حروف فوق الذکر نسبت به خط کرسی طبق نمونه‌های بالا باشد.

با رعایت این نکته بسرعت شاهد تغییر خط خود خواهید بود. باید بدانید که فاصلهٔ بین حروف و کلمات تقریباً یک نقطه است.

نحوهٔ قلم‌گزاری

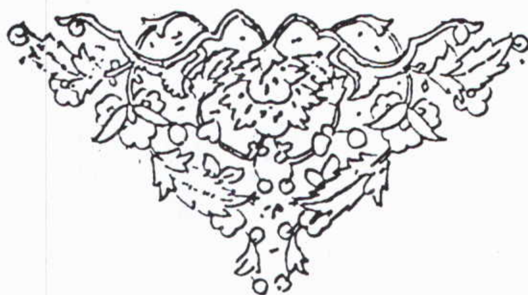
کلیه هنرجویانی که به یادگیری هنرخوشنویسی می‌پردازند، مدتها دچار عدم قدرت تشخیص در نحوهٔ قلم‌گذاری و سپس چگونگی استفاده از نوک قلم، ۱/۳ و یا ۲/۳ آن می‌باشند. موارد مذکور اهمیت ویژه‌ای در درست نوشتن دارد. باید دانست که برای نوشتن هر حرفی یا کلمه‌ای، چگونه قلم را برروی کاغذ بگذاریم، و یا با چه زاویه‌ای حرکت‌ها را آغاز نمائیم. لذا مناسب است که در مرحله اول تجربه کنید که نوک قلم دارای چه توانائی‌هائی می‌باشد. به شکل زیر توجه کنید.



تمامی این خطوط با یک قلم نوشته شده‌اند و در همه موارد از تمام عرض قلم استفاده شده است. امّا همانطور که ملاحظه می‌کنید پهنای هر یک با دیگری فرق دارد. این تفاوت فقط به خاطر نوع قلم‌گذاری و زاویه شروع حرکت است. اگر بتوان زاویه حرکات را تشخیص داد مشکل عمده‌ای را رفع ساخته‌ایم. نکته دیگر این است که برای ساخت قسمت‌های نازک و پهن، بایستی به ترتیب از نوک قلم، ۱/۳، ۲/۳ و تمام عرض قلم استفاده نمود.

نکته مهم این است که در حروف و کلمات، کلیه نقاطی که از ضخامت اصلی قلم کاسته شده است می‌تواند دو علت داشته باشد: **۱ـ یا با نوک قلم و یا بخشی از عرض قلم نوشته شده است ۲ـ یا تمام عرض قلم برروی کاغذ حرکت کرده، اما حرکت آن با زاویه خاصی نسبت به خط کرسی بوده است.** شاید بتوان گفت که مهمترین عامل زیبائی خط، استفاده صحیح از نوک قلم و یا رعایت قوت وضعف است. دو عنصر قوت و ضعف در تمامی خطوط نقش اساسی را دارند. به نمونه‌هائی از قوت و ضعف قلم در ساخت حروف و کلمات توجه کنید.

همانطور که مشاهده می‌کنید چرخش قلم و همچنین استفاده از قسمت‌های مختلف نوک قلم سبب ضخامت‌های متفاوتی شده است. بنابراین نبایستی برای نوشتن یک قطعه خط دائم تمام عرض قلم بر روی کاغذ در حرکت باشد.



الف

در پیش درس آورده شد که حروف الفبا نسبت به خط کرسی دارای

محل خاصی هستند. از این رو حتماً باید دارید که حرف الف روی خط

کرسی قرار دارد؛ توجه کنید:

اندازه معمولی حرف الف ۳ نقطه است.

قسمت بالای آن به سمت راست و پائین به سمت چپ تمایل دارد.

ضخامت آن بستگی به نوع قلم گذاری دارد. به نظر میرسد که زاویه شروع تقریباً

۶۰ درجه است. در قسمت پائین، سمت راست، نوک قلم بآرامی دور

زده و با ملایمت به سمت چپ حرکت می کند. هر مقدار از زاویه قلم گذاری نسبت

به خط افق کمتر شود، ضخامت الف بیشتر خواهد شد، که خلاف قاعده است.

نگاه کنید :

بنابراین در نوشتن الف و دیگر

حروف میزان زاویه قلم نسبت به خط افق اهمیت ویژه‌ای دارد. در بالا

ضخامت غیرعادی هر دو الف به دلیلی که ذکر شد کاملاً مشخص است. هر دو با

یک قلم نوشته شده است. گاهی اوقات اندازه الف به جهت اهمیت ترکیب

کوتاه‌تر از ۳ نقطه است. «انگشتان» در این نمونه حرف الف

حدوداً ۲ نقطه است. بنابراین اندازه آن دقیقاً بستگی به محل استفاده دارد.

باید دانست که شکل آن تغییری نمی‌کند، تنها اندازه آن کم یا

زیاد می شود. گاهی الف بالاتر از خط کرسی قرار دارد.

در نمونه زیر مشاهده خواهید کرد که محل حرف الف بالای خط کرسی قرار دارد.

گفت ای مجنون شیدا چیست این

تقریباً تمامی حروف در حالت جدا و اتصال دارای اشکال متفاوتی هستند، لذا

هنگامیکه الف به حروف دیگر متصل می شود دارای سه شکل است؛ توجه شود:

۱- گاهی دقیقاً مثل الف است امّا حرکت آن باید مطابق حرف قبلی باشد:

مثل ← بلا، این نمونه را باید در کنار لام بکار برد.

۲- گاهی در انتهای کلمه است: خطا ، استاد (دور بسته)

اندازه آن در انتهای کلمه ۳ نقطه است و به سمت راست متمایل می شود.

سا (دور باز) ضخامت آن تقریباً بیشتر از ۲/۱ عرض قلم است.

۳- امّا الف یک شکل کاملاً استثنائی دارد و آن

هنگامی است که قبل از آن نقطِ حرف (ه) باشد؛ توجه کنید:

نوشتن آن از پائین شروع می شود. قسمت زیرش شبیه به حرف میم است، وکوتاه تر از قسمت بالا است.

«بنابراین غیر از نمونه های ۱ و ۲ شکل الف مثل نمونه های زیر است»

حا ، کا ، صا ، عا ، ما ، با

مشاهده می کنید که پس از دو شکل الف تقریباً در همه جا مشابه هستند.

با توجه به اینکه زاویه حرکت الف در موارد ۱ و ۲ و هنگامیکه جدا است با

هم فرقی نمی کند لذا ضخامت که در همه جا یکسان است، حتی وقتیکه الف

دارای کلاه است: آ شروع کلاه الف نازکتر از

پایان آن است. گاهی اوقات کلاه



الف را با اشاره قلم می نویسند که در این

صورت ضخامت آن کمتر خواهد شد، خصوصاً در خط های ترکیبی.

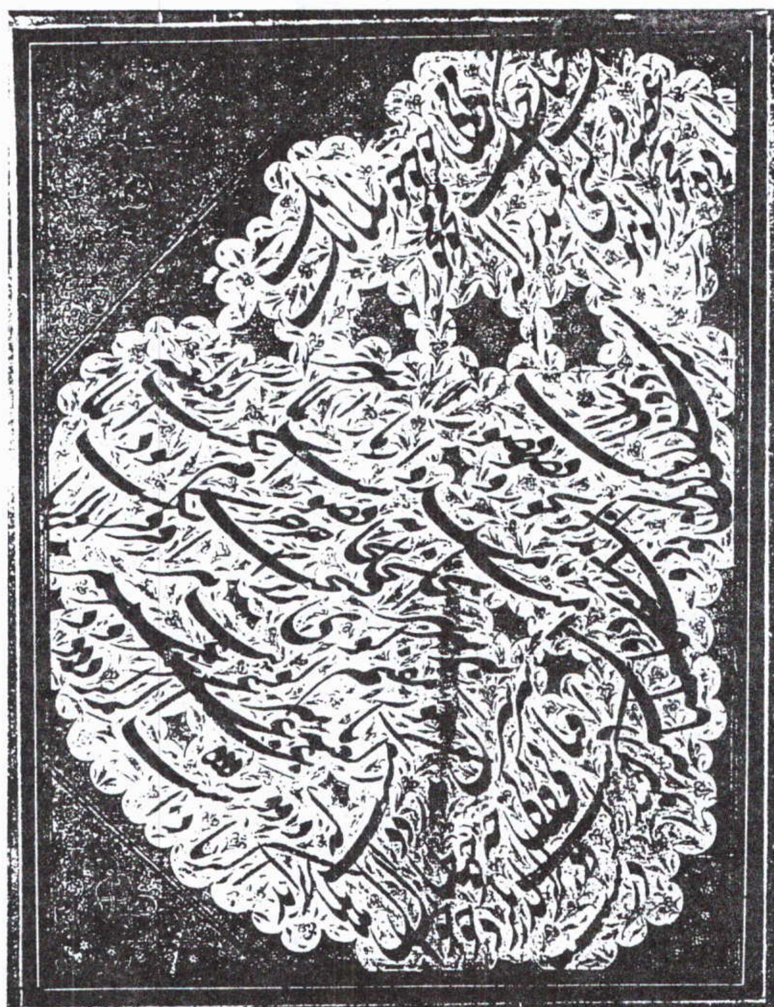
«تمرین»

الا ، املا ، حیا ، حلا ، لطا

اسا ، اسر ، عصا ، ها

احسا ، اطلاعا ، سما ، ها

بر نتابد کوه را یک برگ کاه



سیاه‌مشق : استاد محمدرضا کلهر



حرف «ب» هنگامیکه جدا نوشته می‌شود دارای دو شکل کوتاه (۵ و گاهی ۴ نقطه ای) و بلند (۹ و گاهی ۱۱ نقطه ای) می باشد. معمولاً از نمونه ۵ و ۹ نقطه ای استفاده می‌شود. با دقت شکل زیر را بررسی کنید:



قسمتی از انتهای «ب» مماس بر خط کرسی است. نقطه شروع تقریباً ۲ نقطه بالاتر از خط کرسی می باشد و ارتفاع نقطه آغاز با نقطه پایان یکی است. مهمترین قسمت «ب» هنگامی است که نوک و انتهای قلم در راستای خط عمود قرار بگیرد و این در انتهای «ب» صورت می پذیرد. ۲/۳ میزان شیب از راست به چپ است.

بنابراین شاید بتوان گفت که در هیچ نقطه‌ای دقیقاً بر روی خط مستقیم حرکت

نمی‌کنیم و در همه جا شیب وجود دارد. مهمترین نکته، نحوه قلم گذاری است.

و امّا «ب» بلند اینگونه است: انتها یک نقطه پائین تر از ابتدا.



شروع دو نقطه بالاتر از خط کرسی است، امّا پایان آن نزدیک به خط است.

همانند «ب» کوتاه، بیشترین ضخامت در انتها است. ابتدا، انتها،

شیب و زاویه شروع را با یکدیگر مقایسه نمائید. به چگونگی حرکت قلم توجه شود.



هنگامیکه حرف «ب» در انتهای کلمه بصورت متصل به حرف دیگر بیاید دقیقاً

به همین صورت نوشته می شود. امّا هنگامیکه در اول و وسط کلمه بیایند مانند حروفی

چون (پ، ت، ث، ن، ی) فقط به شکل یک دندانه نوشته می شود.

۱- در اول کلمه به اشکال زیر دیده می شوند:

هر یک از موارد فوق با حرف خاصی می آیند. نمونه ها را در زیر مشاهده کنید.

با، بح، برس، بکا، بم، به

بی، بر، بد، بط، بع، بل، بو

۲- «در وسط کلمه شکل آن بگونه دیگر است»

سد، سها، مب، سب، بصر

تحقیق، سو، نعک، بمم

همانطور که گفته شد شش عدد از حروف الفبا در وسط کلمه به

صورت یک دندانه دیده می شوند و از لحاظ شکل با یکدیگر تفاوتی ندارند.

بنابراین حرف «ب» در اول کلمه بیشترین حالت را دارد.

«تمرین (۱)»

چو در نیمه شب سر برآرم ز خواب

«تمرین (۲)»

از سخن صورت نزاید باز مرد

«ابتدا و انتها کمی بالاتر از خط کرسی است»

و اگر

از این شیوه درست استفاده کنیم زیبائی خط بیشتر خواهد شد.



حرف «ف» ماشند حرف «ب»

در حالت جدا دارای دو شکل کوتاه و بلند است. شکل کوتاه ۵ نقطه و بلند

۹ و یا ۱۱ نقطه است. قسمت اول

حرف «ف» و «قاف» دقیقاً شکل هم است با این تفاوت که سمت راست

حرف «ف» دور بیشتری دارد (گردن دارد). امّا این تفاوت هنگامی

است که جدا نوشته شوند. مرحله اول با تمام قلم است، امّا مرحله دوم

که دور به سمت راست است، با ۲/۳ قلم و سپس با نوک قلم نوشته می‌شود.

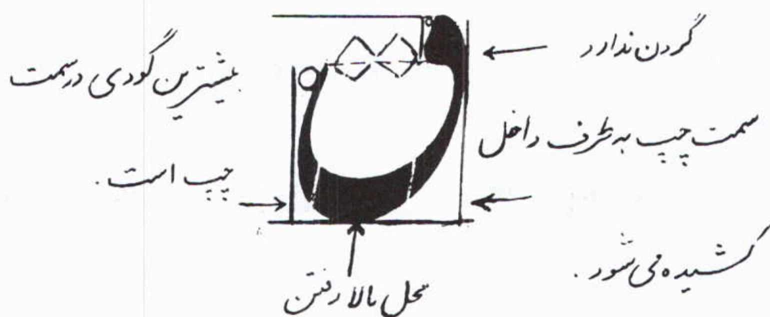
این قسمت دور زیادتری دارد

انتها عمود است

قسمت دوم در هر دو مشابه با حرف «ب» است

شروع حرف «ف»، حداقل از دو نقطه بالاتر از خط کرسی می باشد، تا بتوان

شیب مورد نظر را بدست آورد. انتهای «ف» بلند و کوتاه با یکدیگر فرق دارد.



ارتفاع سمت چپ کمتر از طرف راست است. گودی این حرف ۲ نقطه

است و ارتفاع آن چهار نقطه. محل آن نسبت به خط کرسی»

۱- این دو حرف در اول کلمه تفاوتی ندارند و تو پُر نوشته می شوند.

فا، فب، فح، فد، فر، فس، فط

فع، فو، فل، فه، فن، فی، فم

۲- این دو حرف اگر اول کلمه نباشند امّا حرفی هم به قبل آن متصل نباشد

باز هم شکل این دو حرف مثل نمونه‌های قبلی است : دف

۳- این دو حرف در وسط کلمه دقیقاً مثل هم بوده و توخالی نوشته می‌شوند :

سفف ، هفو ، هفد ، هفر ، سفس

فقفه ، حقفف ، ففسر ، قهقهه ،

۴- حرف «ف» در انتهای کلمه (هنگامیکه متصل باشد) توخالی است امّا

حرف «قاف» توپر نوشته می‌شود : ففف ، فلق

نوشتن «ف» و «قاف» هنگامیکه وسط کلمه بکار میروند با نوک قلم نوشته می‌شوند.

قسمت بالای آن ← دوردار ← تقریباً مایل ← دارای ضخامت بیشتر

نسبت به پائین آن است . و همطور «ف» در آخر کلمه ، هنگام اتصال ، بدین شکل

ساخته می شود. توجه : بدقت این شکل را مطالعه کنید

فضای خالی
۱ ۲ ۳ ۴

۱- ساختن این شکل فقط
محل دور به سمت بالا (چپ) و خروج زاف

با نوک قلم (نیمی از قلم) انجام می گیرد. ۲- شروع از قسمت ۱ آغاز می شود.

۳- در همه حال قلم در گردش است. ۴- بین قسمت ۱ و دایره ف، باید

فاصله لازم حفظ شود. ۵- گردش قسمت ۳ کوتاه است و قسمت ۴ تقریباً

یک حرکت صاف است با زاویه ۴۵ درجه. ۶- بیشترین دور در قسمت ۱

می باشد. فضای خالی تقریباً بیضی می باشد. ۷- ضخامت قسمت بالا و پایین

بیشتر از سمت راست و چپ است. گاهی اوقات ضخامت و گردش قسمت ۲

اینگونه است. فقط مواقعی که حرف قبل کشیده باشد

باز گرد می شود

ر ر ر ر ق

۱ ۲ ۳ ۴ ۵

توجه داشته باشید که حرکت شماره ۵ (شکل و چگونگی حرکت) بستگی به حرف بعدی دارد.

«تمرین (۱)»

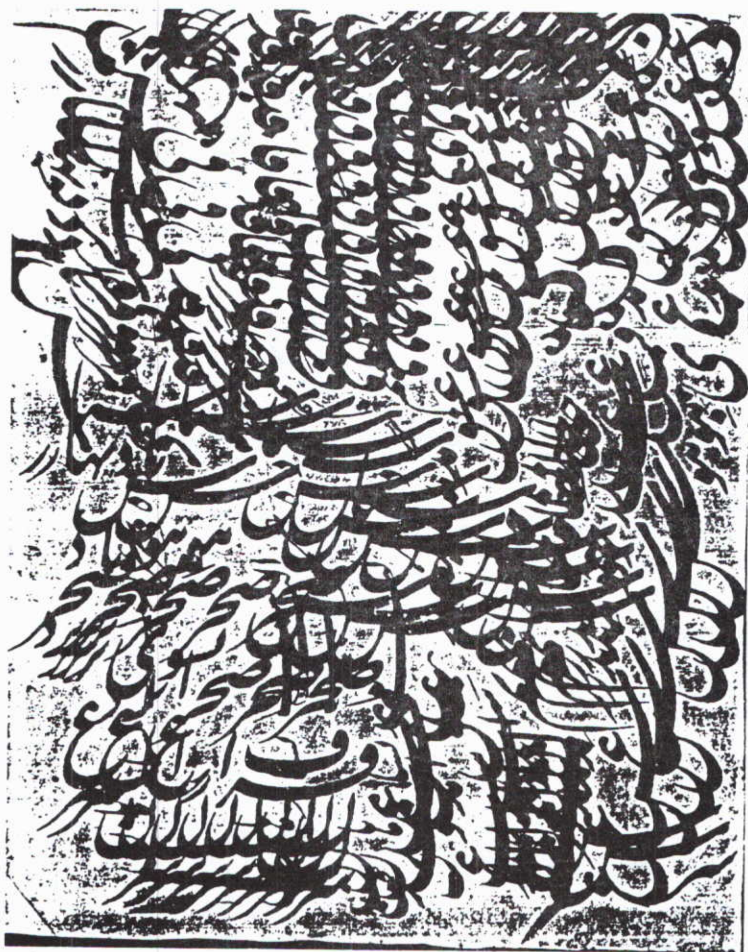
که صفای خط از صفای دلست

«تمرین (۲)»

قدر فلک را کمال و منزلتی نیست

همانطور که توجه می کنید شروع و ختم این مصرع کمی بالاتر از خط کرسی است.





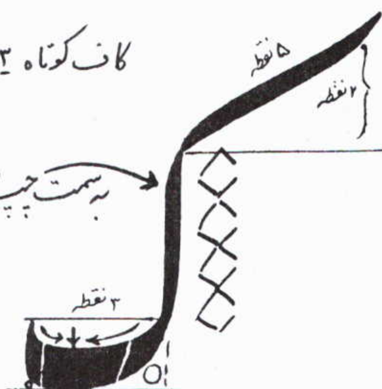
سیاه مشق : استاد محمد رضا کلهر

ک ک

با توجه به اینکه حرف الف، ب و ف را یاد گرفته اید، نوشتن حرف کاف دشوار نیست. چراکه دسته کاف دقیقاً مثل الف و قسمت بعدی مثل ب است.

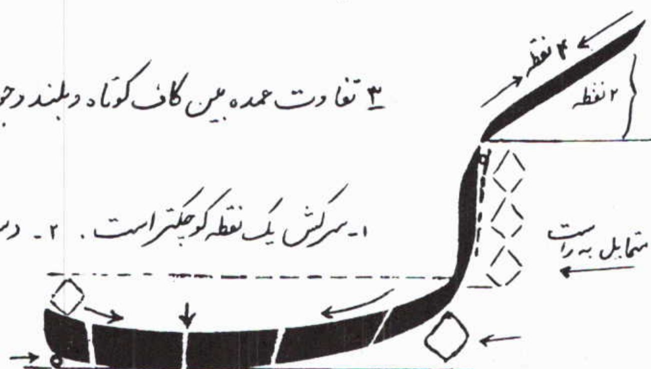
«کاف در حالت جدا دارای دو شکل کوتاه و بلند است».

کاف کوتاه ۳ نقطه است، دسته آن که معمولاً کمی به سمت چپ منحرف می شود ۳ نقطه و سرکش آن ۵ نقطه است. مثل حرف (ب) و یا (ف)، انتهای کاف کوتاه با کاف بلند کاملاً فرق دارد. انحراف دسته کاف (پائین آن) به سمت راست سبب می گردد تا حرکت بعدی بهتر انجام شود.



۲/۳ شیب به طرف چپ و ۱/۳ آن به طرف راست است.

توجه شود که دسته کاف در پائین کمی نازکتر از بالای آن است



۳ تفاوت عمده بین کاف کوتاه و بلند وجود دارد

۱- سرکش یک نقطه کوچکتر است. ۲- دسته کاف هم یک نقطه کوتاه‌تر است. ۳- قسمت سوم [۹ نقطه] ۶ نقطه بزرگتر است.

دقیقاً همانند کاف کوتاه، $\frac{2}{3}$ میزان شیب به سمت راست و $\frac{1}{3}$ آن به سمت چپ است. نقطه تماس با خط کرسی با این علامت (↓) مشخص شده است.

۱- هنگامیکه این حرف در اول کلمه باشد اینگونه است،

کا ، کب ، کح ، کل ، کی ، کما ، کس

در ساخت اشکال فوق برای نمونه‌های ۳، ۴ و ۶ باید از نوک و $\frac{2}{3}$ قلم استفاده نمود.

توجه کنید : ۱- دایره کاف در نمونه ۴ ، در صورتیکه لام کوچک داشته باشیم

با تمام قلم نوشته می شود ، مثل نمونه اول : یا ← **کلوچه** ۲- شکل ۱ فقط

زمانی بکار میرود که بعد از کاف تنها الف ، لام کوچک و یا کاف بزرگ باشد .

کوه ۳- شکل ۲ در بسیاری موارد بکار میرود ، جدا از حدود ۱ یا ۲ حرف از **کجاوه**

حروف الفباد . ۴- شکل ۳ هم در بسیاری از موارد کاربرد دارد . ۵- شکل ۵ فقط

با حرف (ی) بکار گرفته می شود . ۶- شکل بعدی فقط هنگامی بکار میرود که بعد

نمس ، لما از حرف میم یا حرف **لما ، لس**

الف ، حرف کاف و یا حرف لام داشته باشیم . ۷- و شکل آخری فقط زمانی

لح ، لسا « بکار میرود که حرف بعدی کشیده باشد » **لهو ، لر ، لیحی**

لر ، کلیسا

حرف کاف در وسط کلمه می تواند برحسب کلمه بعدی حداقل ۵ شکل متفاوت

داشته باشد.

نگاه ، یکجا ، شکل ، شکلی

فکر

این نمونه ها با نمونه های کاف اول کلمه تفاوت زیادی ندارند.

۳- هنگامیکه این حرف در انتهای کلمه بصورت متصل قرار گیرد

دارای دو شکل است ، کاف کوتاه و بلند . اما توجه داشته باشید که کاف کوتاه

در اینجا دیگر ۳ نقطه ای نمی باشد بلکه ۵ نقطه بوده و دسته هر دو کاف مثل هم است.

طفلک ، ملک

مهم : الف : اگر قبل از کاف ، لام باشد (مثل دو نمونه بالا) ، دسته کاف با لام

باید بلحاظ حرکت هماهنگی داشته باشند. ب : دسته کاف باید دارای قوس یا

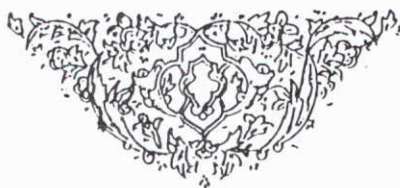
گردش طلایی به سمت راست باشد تا بتوان قسمت بعدی را با هماهنگی بهتری نوشت. همانطور که می دانید در کاف جدا دقیقاً معکوس این حرکت انجام می شود.

«تمرین ۱»

ترک آرام و خواب باید کرد

«تمرین ۲»

حصار فلک برکشیدی بلند





سیاه مشق: استاد محمدرضا کلهر

درس پنجم

ر د

حرف (ر) در حالت جدا دارای دو شکل متفاوت است . به شکل زیر توجه کنید.

به زاویه حرکت قلم و نوع قلم گذاری تقریباً از نقطه وسط به پایین



توجه نمائید: ← نوک قلم بکار گرفته می شود.

فضای خالی سمت راست و سمت چپ را مقایسه کنید.

شروع نوشتن این حرف از دو نقطه بالاتر از خط کرسی آغاز شده و در مرحله اول

تمام عرض قلم بر روی کاغذ است . در وسط انحناء آغاز و حدوداً ۱/۳ انتهای

را فقط با نوک قلم می سازیم. انتهای آن باید بر روی خط کرسی قرار گیرد.

در همه جا از این شکل استفاده می شود امّا از نوع دوم (ر) جدا، فقط در کلمه (در)

استفاده می کنیم .



نوع حرکت بطور کلی همان است امّا

این شکل تقریباً با اشاره نوک قلم ساخته می شود و ضخامت آن تغییرات زیادی ندارد.

توجه داشته باشید که این شکل از (ر) جدا بعد از دال

دهان باز می آید که توضیح خواهیم داد. حرکت زیر دال باید هماهنگ با (ر) باشد.

"این حرف هنگام اتصال به حروف دیگر دارای ۳ شکل است".



نمونه اول روی خط کرسی، دومی کمی پائین تر و نمونه سوم تقریباً وسط قرار دارد.

ساختن نمونه دوم و سوم با اشاره نوک قلم انجام می شود. توجه داشته باشید که

در ترکیبات شکل تر این قوانین اجرا نمی شوند. استفاده از هر کدام با حروفی خاص است.



در اتصال به حروف الفبا نمونه سوم کاربرد بیشتری خواهد داشت

بنابراین باید بدانیم که بعد از هر حرف کدام یک از این ۳ شکل را باید استفاده شود.

* * *

به زاویه قلم گذاری دقت شود. پشت دال دوردارتر است.



شروع با تمام قلم است. بعد از ساخت قسمت اول

در فاصله کوتاهی قسمت ته قلم از روی صفحه برداشته می شود و سپس قسمت دوم

را با نوک قلم می سازیم. بخشی از دال که با تمام قلم نوشته شده از قسمت دوم جدا

گردیده است. قسمت بالا نسبت به خط عمود کمی عقب تر از قسمت پائین است.

در همه موارد از این نوع دال استفاده می شود الا اینکه حرف بعدی

(ر) بوده و مربوط به دال باشد:



که در اینصورت از دال دهان باز

استفاده می شود. بیشترین تفاوت در شکل این دو دال قسمت زیر و ارتفاع آنهاست.

ارتفاع دال دو نقطه است، اما دال در حالت اتصال دارای ۲ شکل است. نمونهٔ اول در همه موارد بکار میرود اما نمونه دوم را فقط وقتی مورد استفاده قرار میدهیم که حرف قبلی کشیده نوشته شود. به نمونه‌های زیر توجه شود.

مسکده ، فکده

دال در نمونهٔ اول روی خط کرسی و در نمونه دوم معمولاً کمی بالاتر است.

امّا قسمت دوم در هر دو با اشارهٔ نوک قلم ساخته میشود.

در ، رور ، رود ، فدر ، دبر ، درد

برده ، بسد ، فطر ، فحر ، طعر ، فرون

فدح ، فحه ، درم

«تمرین (۱)»

آرزو میخواه لیک اندازه خواه

«تمرین (۲)»

پادشاهی است که یادش زِ گدا می‌آید





و ، ه

می توان گفت که حرف «واو» تا حدی شبیه به حرف «ف» و یا «قاف» است ، با تفاوت اندکی در دور زدن و همچنین میزان دور ، امّا زاویه شروع در هر دو یکی است . نوع حرکتش قلم مشخص شده است . ارتفاع حداقل ۲ نقطه است . قلم گذارگی با نوع قلم گذاری در بسیاری از حروف یکی است . برای شروع قلم را حداقل ۱ نقطه بالاتر از خط کرسی گذاشته و با تمام عرض قلم به سمت چپ و بالا حرکت می کنیم . هنگام دور به سمت راست و ساختن قسمت دوم ، بتدریج ته قلم از روی کاغذ برداشته شده و قسمت سوم را فقط با نوک قلم می سازیم . دقت شود که سمت چپ حتماً با دور زدن ساخته شود .

علامت فلش در سمت راست (پشت واو) نشان دهندهٔ این که برای ساخت

قسمت دوم تا این نقطه دور به سمت راست و از این نقطه به بعد دور به سمت

چپ است . دقت داشته باشید که واو در حالت جدا و متصل فرقی ندارد.

ملو سو کو بو مو → توجه نمائید

تنها نکته این است که تمام اتصالات به «واو» با نوک قلم انجام می گیرد.

حرف (ه) در حالت جدا «۱» → «۲» دارای شکل است.

زاویه شروع کمی بیشتر از زاویه قلم در حرف دال و یا واو است. قسمت بالای

آن تمام قلم و قسمت زیر (از نقطه فلش ۱ تا ۲) با نوک قلم نوشته می شود.

ضخامت زیر بیشتر از سمت راست و چپ است. دقت کنید که فضای

خالی با مجموعه این حرف تناسب داشته باشد. (رعایت سواد و بیاض)

ارتفاع این حرف ۲ نقطه و محل آن در حالت عادی روی خط کرسی است.

«امّا این حرف در حالت اتصال دارای ۷ شکل است.»

در اول کلمه هد، هما، هد، هر هم شکل دارد.

برای نوشتن نمونه دوم و سوم از نوک قلم استفاده می‌شود.

در وسط کلمه هم فهمید، بهد، بحر، بهر هم شکل دارد.

شکل اول، دوم و چهارم با نوک قلم نوشته می‌شود. و امّا در

انتهای کلمه فقط دارای ۱ شکل است : حه نوع حرکت شبیه به کلاه

الف است. بعد از نقطه ای که با فلش عمود مشخص شده است باید با سرعت دور زد.

دور در قسمت اول بیشتر است. محل آن روی خط کرسی می‌باشد.

فاصله نمونه‌های ۱، ۲، ۳، ۵، ۶ و ۸ از خط کرسی بستگی به نوع کلمه دارد.

نمونه‌های زیر را بدقت مورد بررسی قرار دهید.

زاویه قلم، شیب، اندازه‌ها، چرخش و تناسبات اهمیت دارند.



نمونه استثنای آن هنگامی است که به الف وصل می‌شود:



«تمرین (۱)»

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند

«تمرین (۲)»

با شک ندامت کنم چهره را تر

حرف میم در حالت جدا فقط دارای ۱ شکل است . زیر این حرف ۱ نقطه بالاتر از خط کرسی است . دسته میم در همه جا ۵ نقطه می باشد . هنگامیکه در انتهای سطر قرار بگیرد می توان بیشتر از ۱ نقطه، نسبت به خط کرسی، آن را بالا برد . شروع این حرف تا تقریباً ، انتهای آن با تمام قلم انجام می شود . به اندازه گذاری های زیر توجه کنید.

مهم : برای شروع تمام قلم با زاویه مناسب بر روی کاغذ قرار گیرد، سپس به سمت راست شیب دار حرکت می کنیم . پس از اینکه به اندازه کافی عقب حرکت کردیم با حالت دور بسیار خفیف از محل خط چین در حال شیب عبور کرده، و به سمت چپ حرکت می کنیم و با دور زدن ملایم آن

به زاویه توجه شود

عرض قلم

خط کرسی

به خط عمود رسیده، و درحالیکه قلم به آرامی دور می زند، دسته میم را در راستای عمود

می سازیم. دقت داشته باشید که قسمت بالا و پائین میم (سمت چپ) به طرف

راست تمایل پیدا می کند. این حرف در اول کلمه دارای اشکال استفاده ای است:

توجه کنید ← مح[۴]، مر[۳]، مد[۲]، ما[۱]

نمونه اول، سوم و چهارم را با تمام قلم می سازیم. به مثالهای زیر توجه کنید:

مرجع، محر، مد، محمو، ملا، ملبا، معه، معر

شکل این حرف در وسط کلمه بگونه زیر است.

همد[۱]، همر[۲]، ممر[۳]، سمس[۴]

توجه داشته باشید که شکل ۱ و ۲ به ترتیب شبیه به شکل ۲ و ۳ در نمونه های بالا است.

معمولاً از نمونه چهارم زمانی استفاده می کنیم که حرف قبلی بلند باشد.

در نوشتن نمونه های ۱ و ۲ و ۳ باید از تمام عرض قلم استفاده نمود.

امّا حرف میم در انتهای کلمه دارای دو شکل است.

نمونه اول شکل صمیم ۱ طعم ۲ میم جدا می باشد

نمونه دوم با نمونه چهارم میم وسط (صفحه قبل) کاملاً مشابه می باشد. امّا خروج از

میم در اینجا با تمام قلم صورت می پذیرد. به قوس زیر میم ۲ بدقت توجه کنید.

«به نمونه های زیر توجه نمائید»

عمر ، نعما ، کما ، عماد ، عسر

موج ، عمومی ، همی ، ممس ، مسم

مجمع ، فهم ، نم ، سمی

درمیان نمونه های بالا ۵ کلمه از ضخامت بیشتری برخوردارند. آیا می توانید

فقط با دیدن، این نمونه ها را پیدا کنید.

«تمرین»

بجانت ای بت شیرین که من همچون شمع

آیا می توانید در این بیت خط کرسی را با توجه به نمونه های قبل پیدا کنیم؟

شبان تیره مردم فنای خویشتن است



حرف نون در حالت ن جدا دارای یک شکل است.

قوس و یا چرخش حرف نون، خصوصاً نیمه سمت راست آن با اختلاف بسیار کمی

شبیه به دایره حروف مشابه می باشند. اما به نظر می رسد که سمت چپ حرف دایره

نسبت به دوایر دیگر کمی بیشتر به سمت داخل متمایل می شود. به هر حال باید دانست

که کیفیت هر حرفی مخصوص به خود است و شاید مقایسه آنها با یکدیگر صحیح نباشد.



ارتفاع این حرف ۴ نقطه است. ارتفاع سمت چپ شکل تمامی دوایر حدود دو و یک دوم نقطه کمتر از سمت راست است. از شروع تا پایان این

حرف تمام عرض قلم بر روی کاغذ قرار دارد. بیشترین گودی در نون در سمت چپ

است . حد اکثر گودی داخل نون ۲ نقطه می باشد . شروع آن شکل یک الف است او

قسمت پائین آن که آغاز دور است به سمت راست متمایل می شود . خط کرسی

تقریباً از وسط حرف نون می گذرد . این حرف هنگام اتصال به حروف دیگر

در اول و وسط کلمه دقیقاً پیروی از قوانین (ب) متصل می کند، که نیازی

به توضیح نیست امّا در انتهای کلمه شکل نون جدا بود . امّا شروع آن فرق دارد

ن ، بن ، بن ، بن

همانطور که از نمونه های بالا پیدا است می توان گفت تفاوتی بین قوس

حروف مختلف بالا نیست و حرف قبل از نون تغییر دهنده شکل قوس نمی باشد .

من ، بین ، کهان ، بکن ، سمن

به نمونه های فوق توجه کنید و سپس الگوی ذهنی بدست آورید

اشکالاتی که معمولاً عموم هنرجویان در نوشتن دوایر دارند مشابه می باشند. این

موارد عبارتند از: ۱- کوتاه بودن دسته نون ۲- از دست رفتن دایرهٔ بدون

شکستگی ۳- عدم حفظ اندازه‌ها، خصوصاً عریض نوشتن را از دست رفتن بلند.

«تمرین (۱)»

بهر آنست امتحان نیک و بد

«تمرین (۲)»

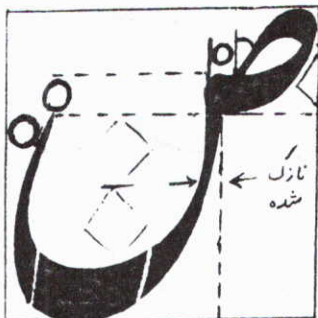
این چه بادست پر گران بوی شما آید:



درس نهم

حرف صاد و طا در حالت جدا هر کدام دارای یک شکل می باشند. قسمت اول این دو حرف تقریباً شبیه به یکدیگر هستند. زاویه شروع در هر دو یکی است. در حالت جدا قسمت زیر این دو حرف با یکدیگر فرق دارند. امّا هنگامیکه بعد از حرف طا دندانه داشته باشیم این دو حرف با هم تفاوتی ندارند. مثل: صلح، طلی

قسمت اول صاد با نوک و سپس حدوداً ½ قلم ساخته می شود. فضای خالی آن باید تناسب لازم را داشته باشد. گودی آن ۲ نقطه است.



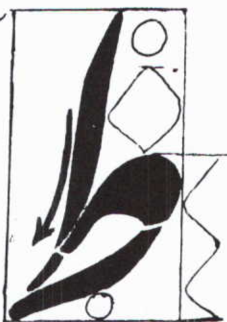
و بمانند دوایر دیگر سمت چپ آن کمی کوتاه‌تر است. به ضخامت های مختلف توجه شود.

قسمت زیر صاد ½ ضخامت قلم است. شروع قوس با نوک قلم ساخته می شود.

حرف صاد جدا را باید از ۲ نقطه بالاتر از خط کرسی آغاز نمود. امّا حرف (طا)،

تشکیل شده از قسمت اول حرف صاد، که زیر آن با اشارهٔ قلم شل (ر) نزدیک

به خط افق است و یک الف که با آرامی بر روی آن می نشیند.



فاصله های بوجود آمده در این حرف نشان دهنده نوع حرکت

است. دسته طا در پایین به سمت چپ متمایل می شود.

فضای خالی را بررسی کنید. این فضای خالی باید با ضخامت طا هماهنگ باشد.

قسمت زیر حرف صاد در همه جا یکی است، امّا میزان بالا آمدن

دندانه آن و نوع دندانه بر حسب حرف بعدی تغییر می کند، ملاحظه نمائید:

صو صد، صح، صم، ← مهم

نمونه ۱ تا ۳ با یکدیگر فرق دارند امّا نمونه ۳ و ۴ تقریباً شبیه به یکدیگرند. تنها در یک

موارد زیر حرف صاد با تمام قلم نوشته می شود. و آن هنگامی است که بعد از

صاد حرف (ر) باشد: صر شیب در مرحله اول زیاد و دور برای

دندانه خیلی کم است. در نمونه های زیر شکل این دو حرف را در اول، وسط و

آخر کلمه مشاهده می کنید. توجه داشته باشید که زیر حرف صاد خصوصاً (طا)

به تناسب حرف بعدی تغییر می کند. البته این تغییر در صاد خیلی کم است.

صدر، مط، طها، صر، طو، مختصر

طبد، سلطب، عطا، صمع، صفا

لطف، لطف، صمد، صبا

طر، طر، صبو، طلب، طفا، باطم

مهم : با توجه به اینکه چگونگی زیر صاد و طا اهمیت زیادی دارد

لذا ضروری است که انواع آن را شناخته تا نحوه اتصال به حرف بعد درست باشد.

«تمرین (۱)»

تو آوردی از لطف جوهر پدید

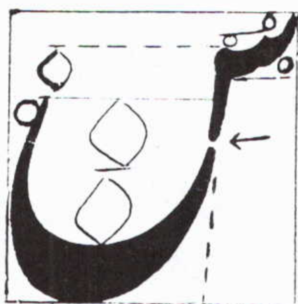
«تمرین (۲)»

و ندر صفت خلق و یقین صدیقی

درس دهم

حرف سین در حالت جدا دارای دو شکل کوتاه و بلند است. محل شروع سین کوتاه حدوداً ۱/۵ نقطه بالاتر از خط کرسی است ولیکن شروع سین بلند از ۳ نقطه بالاتر از آن آغاز می گردد.

شیب سین بلند حداقل ۲ نقطه می باشد در حالیکه در سین کوتاه بسیار ناچیز است.



شروع با نیش قلم انجام می شود. دندانه اول و دوم نوک تیز، امّا دندانه سومی دور دار است.

قوس سین دقیقاً با نون متصل یکی است. بعد از انجام دندانه اول و دوم کمی شیب داریم. نیش دندانه اول بزرگتر است. گودی در سمت چپ بیشتر می باشد.

پس از انجام دندانه و مقدمه سازی قوس، تمام قلم را برای ساختن قوس بکار میبریم.

دایره هر دو نسبت به خط کرسی دارای یک موقعیت است.

شروع سین بلند با تمام قلم است. در شروع شیب تندی داریم و بتدریج کم می‌شود.

بیشترین ضخامت قلم هنگام دور (دایره) زدن بوجود می‌آید، چرا

که قلم (نوک و ته) در راستای خط عمود قرار می‌گیرد. هنگامیکه شیب مورد نظر به خط افق رسید کمی به سمت بالا حرکت کرده سپس مقدمه دایره را ایجاد می‌کنیم.

این حرف در اول کلمه دارای اشکال زیر است.

سا ، سب ، سط ، سه ، سر ، سح

بعضی از این نمونه‌ها تا حدی زیادی شبیه یکدیگرند. سس ، سم

در تمامی موارد دندانه‌های سین با نوک و حداکثر ۱/۲ عرض قلم نوشته می‌شوند. الا اینکه

بعد از حرف سین حرف (ر) داشته باشیم مثل نمونه پنجم در بالا.

توجه داشته باشید که سین کشیده را نمی توان مستقیماً به حرف (ب، ج، ص-

طا، ق، ف، د، ی) وصل کرد. الا اینکه حداقل یک دندانه بین آن و این

حروف باشد. البته دیده شده است که گاهی سین کشیده را به حرف (واو) وصل

کرده اند امّا زیاد معمول نمی باشد. این حرف در وسط کلمه مشابه با نمونه های بالاست.

سسه، سب، سسال، سسد، سسر

سال، سال

امّا بین سین کشیده در اول کلمه و وسط کلمه ۲ تفاوت وجود دارد. الف: شروع

سین کشیده در وسط کلمه، به سمت بالا قوس ندارد. ب: مقدار شیب و اندازه سین

کشیده در وسط کلمه کمتر از سین اول کلمه است. دو نمونه زیر را بدقت بررسی کنید.

سه، سو

«تمرین ۱»

گزین برتر اندیشه بر بگذرد

«تمرین ۲»

تا بجوشد برچه آرد زر زبد

به فاصله بین هر حرف توجه نمائید و آنها را با یکدیگر مقایسه کنید.



درس یازدهم

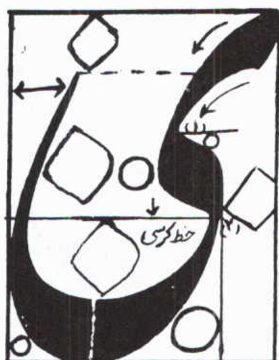
ی

حرف «ی» در حالت جدا دارای دو شکل کاملاً متفاوت است. نوع دایره‌ای شکل و نوع معکوس آن. نوع اول «دایره‌ای» را می‌توان در همه موارد استفاده نمود. اما معمولاً نوع معکوس را در انتهای سطر، بالای آخرین کلمه بکار می‌برند و کمتر دیده شده است که در وسط سطر استفاده شود که آن هم باید دارای شرائطی خاص باشد. در نمونه زیر حرف «ی» معکوس دقیقاً با حرکت کاف هماهنگ است.

تجده عونا لک فی النوائب

باتوجه به اینکه استفاده از «ی» معکوس باید صد در صد متناسب با ترکیب جمله باشد لذا توصیه می‌گردد براحتی از آن استفاده نکنند.

براندازه‌ها دقت شود   ارتفاع آن ۴ نقطه است.



شروع با تمام قلم است   وهنگامیکه با ایجاد قوس کوتاه

به نقطه (۱) نزدیک می شویم بتدریج ته قلم از روی کاغذ برداشته می شود. البته گاهی

چون این عمل بسرعت انجام می پذیرد برداشته شدن ته قلم مشخص نیست. برای نوشتن قسمت

بعدی دوباره از همه قلم استفاده می شود و دوباره قلم در نقطه (۱) در راستای خط عمود قرار

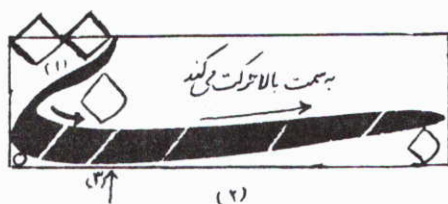
گرفته و طبیعتاً خط نازک شده و از همان نقطه به بعد حرکت دایره ای را آغاز می کنیم. بیشترین

گودی در سمت چپ است. میزان فضای خالی در دو گوشه راست و چپ نشان دهنده

نوع حرکتش است. بیشترین ضخامت قوس با خط سفید مشخص شده که در سمت چپ جدا شده.

توجه: نکته بسیار مهم این است که میزان تورفتگی سمت چپ (بالای خط کرسی)

در این حرف بیشتر از دوایر دیگر است.

قسمت اول با  نوک قلم ساخته

می شود . دسپس تمام قلم را در جهت حرکت قبلی گذاشته و به سمت عقب (راست)

در حالیکه کمی به پایین شیب دار حرکت می کنیم و بسرعت بالا می رویم تا اینکه در انتهای

آن حداقل ۱ نقطه بالاتر از (۳ نقطه) باشیم . طول حرف (ی) معکوس ۱۱ نقطه است .

حرف (ی) در اول و وسط کلمه مانند حرف (ب) و بعضی دیگر که

ذکر آن رفت دقیقاً شکل یک دندانه است که نمونه های آن را دیده اید . امّا در انتهای

کلمه (هنگام اتصال) مثل نمونه عادی آن است ولیکن یک تفاوت کوچک در شروع آن

وجود دارد . توجه کنید : حی ، علی ، یحیی دسته (ی)

می تواند حداقل ۳ شکل متفاوت داشته باشد . چگونگی آن بستگی به حرف قبلی دارد .

بدقت به نمونه های زیر توجه نمائید.

لی ، سمی ، حصی ، لعلی ، فی

مصطفی ، سمی ، لیلی ، یقی

«تمرین»

ساقی که جامت از می صاف تهی مباد

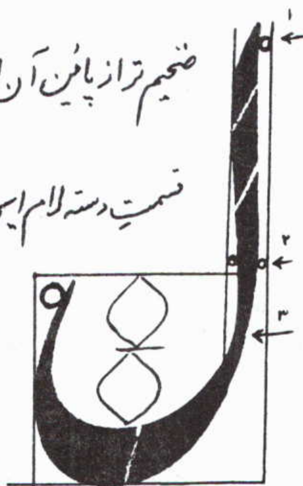
چشم عنایتی به من دردنوش کن

دقت کنید که چگونه کلمات در انتهای دو مصرع بتدریج بالا می روند.

درس دوازدهم

حرف لام در حالت جدا دارای یک شکل است.

دایرهٔ این حرف همانند قوسِ حرف نون است، ارتفاع آن ۷ نقطه است. خط کرسی از وسط قوس لام می‌گذرد، البته این قانون از ترکیب پیروی می‌کند و لذا گاهی بالاتر از خط کرسی هم دیده می‌شود. دستهٔ لام در بالا کمی به سمت چپ و در پائین به سمت راست متمایل است، مشخص است که بالای دستهٔ لام ضخیم‌تر از پائین آن است. و در هر مرحله‌ای که دور آغاز می‌شود نازک‌ترین قسمتِ دسته لام ایجاد می‌گردد که با شماره (۳) مشخص شده است. میزان انحرافِ سمت چپ به طرف داخلِ لام همانند حرف نون بوده که با مقایسه



دقیق می‌توان به این نکته رسید.

تفاوتی بین لام جدا و لام انتهای کلمه که بصورت متصل باشد وجود ندارد. به مثالهای

دو برد توجه کنید : سهل جلال اما لام در اول و وسط

کلمه دارای اشکال متفاوتی می باشد. در اول کلمه دارای ۲ شکل است :

شکل اول لب ، لحیا : این دو شکل کاملاً متفاوت می باشند

با نوک قلم ساخته می شود ، اما دومی مثل یک الف است ولذا با

تمام قلم نوشته می شود. از نمونه اول فقط وقتی استفاده می کنیم که بعد از لام حرف

(ح) و یا مشابهات آن باشد. باید بدانید که اندازه لام در نمونه دوم برحسب حرف

بعدی تغییر پذیر است. نگاه کنید : لبس ، لسم لام کوچکتر شده.

شکل این حرف در وسط کلمه در همه موارد مثل هم می باشد.

سلح ، لبلی ، هکلا ، طالعه ، لیلی

گرت سلطنت فقر ببخشند ای دل

کمترین ملک تو از ماه بود تا ماهی



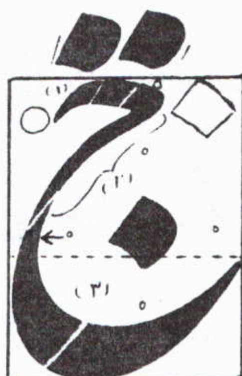


سیاه مشق : استاد میرزا غلامرضا

درس سیزدهم

حرف (ح) در حالت جدا دارای یک شکل است. محل این حرف نسبت به خط کرسی در حالت عادی تقریباً وسط خط قرار می‌گیرد. هنگام شروع از نوک قلم استفاده می‌شود و به محض اینکه به سمت راست حرکت کردیم حدود $\frac{2}{5}$ عرض قلم مورد استفاده قرار می‌گیرد. عقب رفتن با شیب مختصری انجام می‌گیرد.

به این شکل بدقت توجه نمائید. زاویه شروع حدود ۴۵ درجه است. به افزایش ضخامت دقت شود. ضمناً چرخش در سمت راست و فاصله بین نوک و قوس اهمیت دارد.



قسمت دوم با نوک قلم ساخته می‌شود و ضخامت آن متناسب با قسمت اول و سوم می‌باشد. مجلی را که با قلمش مشخص کرده‌ایم نقطه دور به سمت راست است.

برای شروع قسمت سوم چگونگی قلم گذاری اهمیت بسیاری دارد. درحقیقت اگر در این

مورد اشتباه عمل شود قوس معکوس قطعاً خراب خواهد شد. باید بدانید که

حرکت قوس بایستی در امتداد حرکت دم باشد. هنگام نوشتن قوس تمام عرض قلم

برروی کاغذ درحرکت است. قوس این حرف شکل حرف عین است که خواهید دید.

امّا این حرف هنگام اتصال در اول کلمه برحسب حرف

بعدی دارای اشکال متفاوتی است.

حا، حب، حر، حح، حس ← توجه نمائید:

به نظر می رسد که حرف «ح» در اول کلمه دارای ۵ شکل است امّا اگر بخواهیم دقیقتر بنگریم

می توان گفت که این اشکال در رابطه با حروف دیگر تغییر پذیر می باشند.

۱- شکل اول می تواند با این حروف بکار روند: (الف، دال، کاف، لام و ه)

۲- نمونه دوم را می توان با این حروف بکار برد: (ب ، ر - س - ص - ط - ع - ف - ق - ن - و - ه و همچنین حرف کاف، اگر آن اینگونه نوشته شود: حکل ، حکا ، حکم ، ...) بنابراین کاربرد این شکل بیشتر از نمونه های دیگر است

۳- نمونه سوم را می توان فقط با حرف (ر) بکار برد.

۴- نمونه چهارم را می توان قبل از حروف (ح - م - ی) استفاده نمود.

۵- نمونه پنجم که تا حدی به نمونه دوم شباهت دارد هنگامی بکار میرود که یا خودش کشیده نوشته شود و یا حرف بعد از آن مثل (سین) ، به نمونه های زیر توجه شود.

حد ، حو ، حر ، حبحه ، حصو ، حمعه ، حسر ، حها

حس ، حسمی ، حمس ، حلو ، حطر ، حسمه

حسه ، حر ، حر ، حعد ، حسی

توجه داشته باشید که هنگام اتصال (ح) به لام انتهای کلمه، ضخامت زیر آن کمتر می شود

مثال: حل ضمناً بدانید که قسمت اول و زیر (ح) در تمامی موارد با نوک

قلم ساخته می شود. ناگفته نماند که در صورتی می توانیم حرف (ح) را به صورت کشیده

بنویسیم که به اشتباه کلمه دیگری خوانده نشود. حسه در اینجا کشیده

(مد) حتماً سین خوانده می شود و نمی توان کلمه (حبه) را کشیده نوشت. اما این

کلمه ← حرح اگرچه حرف (ح) کشیده نوشته شد

است اما در نگاه اول آن را (چرخ) می خوانیم. و قسمت کشیده (سین) خوانده نمی شود.

اما در این کلمه ← حم این امکان وجود دارد که قسمت کشیده

بعنوان حرف سین هم بکار رود. پس این کلمه یا خُم، یا جم یا جسم و ... می تواند

باشد. لذا باید توجه داشته باشید که کلمه کشیده شده، شما به غلط کلمهٔ دیگری خوانده نشود.

اما حرف «ح» در وسط کلمه دارای چهار شکل متفاوت است.

مهم: بحـر حلحله یحی حیحر

دقت داشته باشید که نمونه اول تا حدی شبیه به نمونه دوم و همچنین

دو نمونه بعدی هم کمی به یکدیگر شباهت دارند. اما در نمونه اول شیب بیشتر دارد و بزرگتر

از دومی است. سومی کمی به سمت بالا می رود (گوشه سمت راست) و کوچکتر از

چهارمی باشد. نمونه چهارم هنگامی بکار می رود که بخواهیم آن را کشیده بنویسیم.

به جهت قلمش ها توجه نمائید. ضمناً «ح» در وسط با نوک قلم نوشته می شود.

حجا بحر بحر بحر لحا بحیب

بحیق

اگر نمونه های فوق را بدقت بنگرید متوجه می شوید که اندازه ها، و شیب حرف «ح»،

متناسب با نوع کلمه در حال تغییر است، که این تغییرات را می توان به حسن همواری حروف تشبیه نمود.

هنگامیکه این حرف در آخر کلمه قرار گیرد (بصورت متصل)، قوس آن شبیه به قوس حرف (ح) جداست. امّا شروع آن کمی تفاوت دارد. توجه شود:

سح صح حح صح

همانطور که ملاحظه می کنید قسمت اول (ح) تقریباً حرکت افقی دارد. وضمناً نوک آن زیاد به طرف پائین سرازیر نشده است. افزایش ضخامتی که در نمونه جدا داریم در اینجا دیده نمی شود. امّا بقیه موارد مشابه هستند تفاوتی نیست.

این دو نمونه با یک قلم نوشته شده اند. لذا تفاوتهای بین قسمت اول حرف (ح) مشخص است. نوک آن با علامت فلش مشخص شده است.

«تمرین ۱»

پیران سخن بتجربه گویند گفتمت؛

«تمرین ۲»

ای نورِ چشم من سخنی هست گوش کن

درموارد فوق خط کرسی تبعیت از ترکیب و قوانین آن دارد.





سیاه‌مشق : میرزا استاد میرزا غلامرضا

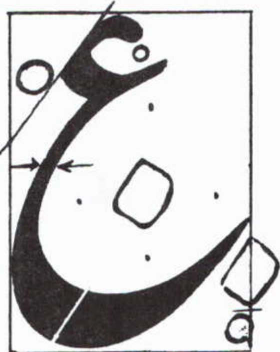
حرف عین در حالت جدا  دارای یک شکل است.

قوس آن با قوس حرف ... دف، تفاوتی ندارد. نمی توان

گفت که شکل این حرف دقیقاً با چند حرکت ساخته می شود، مثل بسیاری از

حروف دیگر، امّا نحوهٔ نوشتن آن اینگونه است: شروع با نوک قلم است

و تا مرحله ای که با فلش مشخص کرده ایم فقط حداکثر ½ قلم بکار گرفته می شود.

از خط فلش به بعد برای  نوشتن قوس همه قلم را در امتداد

حرکت قبلی بر روی کاغذ گذاشته و با در نظر گرفتن

میزان شیب، دور، اندازه، چگونگی صحیح است قلم

در مراحل مختلف قوس و... دور می زنیم، ارتفاع آن ۵ نقطه است. به مقدار

زاویه پشت عین توجه کنید. این شیب، هنگامیکه

عین در اول کلمه قرار میگیرد برحسب حرف بعدی دائم تغییری یابد، باتوجه

به اینکه نیمه بالای این حرف بانوک دو قلم ساخته می شود، مهم نیست که

چگونه نوشتن را آغاز کنیم، مهم درست بودن شکل است. اما راحت تر آن

است که شروع آن با نوک قلم از سمت چپ باشد. توجه:

بدقت به چگونگی شروع، زاویه

(۱) (۲) (۳) ۴ ۵

حرکت ها، ضخامت قلم و تغییر آن، گردش و میزان

خشکی و نرمی آنها، فضای داخل عین و موارد دیگر توجه کنید.

آیا به نظر نمی رسد که حرف عین بلحاظ شکل با عدد (۶) شباهت زیادی دارد.

مرغ، فروغ، کلاغ، سمع

موقعیت حروف قبل از عین را نسبت آن بررسی نمائید.

این حرف در اول کلمه دارای ۲ شکل کاملاً متفاوت است .

(۱) عظم (۲) علی

به خط حرکت توجه شود

نمونه اول کاربرد بیشتری دارد. تنها تغییراتی که در رابطه با حروف مختلف پیدا می کند زاویه حرکت سمت چپ ، زاویه حرکت زیر آن و شکل حرکت زیرین است . نمونهٔ اول می تواند قبل از این حروف بیاید : (ب ، ج ، ر ، س ، ص ، ط ، ع ، ف ، ق ، م ، ن ، و ، ی). امّا نمونه دوم می تواند فقط قبل از چند حرف بیاید : (ا ، د ، ک ، ل ، ه) . نوشتن زیر عین در نمونه دوم با تمام قلم است :

عا ، عد ، عه ، عل ، عو

عب ، عط ، عر ، عج ، عی

گاهی بعد از حرف عین باید دندانه را گونه‌ای گرد نوشت، در این صورت

بایستی از نمونه دوم عین استفاده نمود: عب در اینگونه موارد

معمولاً زیر حرف عین کمی نازکتر نوشته می‌شود. نمونه‌های صفحه قبل نشان

می‌دهند که زاویه زیر حرف عین (نوع اول) برحسب حرف بعدی تغییر میکند

عجب علمو علیه عسق عمص عم

به دقت به کیفیت عجل عمو نوشتن توجه کنید!

این حرف در وسط کلمه دارای یک شکل است.

شکل این حرف در وسط کلمه، در همه جا یکسان است، و با نوک

قلم ساخته می‌شود. اما قسمت زیر آن برحسب حرف بعدی کمی تغییر میکند

گاهی خروج قلم از زیر آن با تمام عرض قلم است و گاهی با نوک قلم

تیزی سمت چپ، گردی سمت  راست و دوره بالای آن را مورد

بررسی قرار دهید. تغییرات ذیل عین را در نمونه‌های زیر مشاهده کنید.

لعب ١   قلعه ٢   لعر ٣   لعلی ٤   سعم ٥   لعلس ٦

معلم ٧

در نمونه‌های ١، ٣، ٥ خروج از حرف عین با نوک قلم است.

در مابقی نمونه‌ها تمام قلم را داخل عین گذاشته بیرون می‌آئیم. امّا این حرف

در انتهای کلمه هنگام اتصال، به حرف ماقبل خود در حقیقت وسط عین

می‌باشد و قوس آن هم همانند قوس عین جدا است.

لع

به نمونه‌های صفحه بعد توجه نمائید و پس بررسی کنید.

مع ، ربع ، صمع ، صانع ، مجمع ، سمع

« تمرین »

نادِ علیاً مظهرَ العجائب

تجده عوناً لک فی النوائب



آموزش خط نستعلیق الفبائی

9 780600 375494
انتشارات امیرکبیر
۱۷,۰۰۰ ریال

خط که از مهمترین دستاوردهای بشری است، هنگامی مورد توجه قرار خواهد گرفت که سیمایی زیبا و منظری خوش داشته باشد. از استاد معظم، دکتر الهی قمشه‌ای است که « خط زیبا تجلی عالم معنا در عالم صورت است. هندسه‌ای است روحانی که چرخش ها و دوایر عالم هستی را بیاد می آورد و به زبان حال درس انس و الفت و مهربانی و نظم و تناسب و استواری می دهد و به آب لطف، روح را تلطیف کرده و غبار لفظ از چهره معنی می شوید تا جمال حقیقت بی پرده عیان گردد.»

شابک: ۰-۲-۹۳۶۹۱-۹۶۴